

در جنگ اقتصادی هم مانند جنگ نظامی می‌توان پیروز و سربلند شد به شرط آنکه «داشته‌های خودمان را بایستی بشناسیم و آنها را جدی بگیریم... ثانیاً، آفت‌ها را بشناسیم، فسادها را بشناسیم، راه‌های رخنه‌ی دشمن را بشناسیم و در مقابل آنها به طور جدی ایستادگی کنیم.» ۹۸/۱/۱

معاونت سیاسی نمایندگی ولی فقیه در سپاه / سال ششم / شماره ۷۶۸ / چهارشنبه ۱۸ اردیبهشت ماه ۱۳۹۸

تغییر رویکرد از ایران هراسی به ایران آزاری

آرمان امروز: یکی از مسائلی که طی روزهای گذشته مطرح شده تهدیدها و لفاظی‌های جان بولتون است. به نظر می‌رسد در اثر فشارهایی که از سوی برخی از کشورهای منطقه همچون رژیم صهیونیستی و شیخ نشین‌های خلیج فارس، ایالات متحده را موظف کرده است دست به چنین اقدامی بزند، ولی این مواضع ضرورتاً به معنای حمله به ایران نیست. به نظر نمی‌رسد با قرار گرفتن ترامپ در آستانه انتخابات ریاست جمهوری در آمریکا به دنبال شعله‌ور ساختن جنگی تازه باشد. چون در هر صورت موقعیتش را از دست خواهد داد. همچنین ترامپ صراحتاً در مناظره‌های انتخاباتی‌اش اعلام کرده بود آمریکا را وارد جنگ تازه‌ای در منطقه نخواهد کرد. بنابراین بعید به نظر می‌رسد که ترامپ به دنبال راه‌اندازی جنگ تازه‌ای در منطقه باشد. لذا مواضع اشخاصی همانند جان بولتون بیشتر لفاظی و نمایشی است. ترامپ هم پیش از این اعلام کرده بود اگر قرار بود به سخنان بولتون گوش دهم باید سه سال پیش به ایران حمله می‌کردیم. زمانی که ناو آمریکایی از مبدا به سمت خلیج فارس حرکت می‌کند تمامی هزینه‌هایش را شیخ‌نشین‌های خلیج فارس پرداخت می‌کنند. این نکته را نیز باید در نظر داشت با توجه به اظهارات خشم‌آلود وزیر خارجه بحرین ایالات متحده برای آنکه خشم ایران دوچندان نشود دست به چنین مانور نظامی زده‌اند.

حسین فریدون برای کدام اتهامات محکوم شد؟

کیهان: سرپرست مجتمع قضایی کارکنان دولت اخیراً از صدور حکم حسین فریدون خبر داد و اظهار کرد: این فرد در حکم دادگاه در ارتباط با برخی اتهامات تبرئه و در ارتباط با بخش دیگری از اتهامات، به حبس محکوم شده است. وی در پاسخ به این سوال که: «فریدون پرونده دیگری نیز در دادسرا دارد؟» گفت: آن پرونده در دادسرا است و فعلاً برای ما ارسال نشده است.

اتهامات حسین فریدون در پرونده‌ای که در حال حاضر در دستگاه قضا در حال پیگیری است مربوط به ارتشا و پولشویی است و رد پول کتیف در این پرونده قابل مشاهده است. وی در قبال دریافت رشوه رایزنی‌های موثری را برای سپردن مسئولیت‌هایی در بانک‌ها و دیگر بخش‌های تأثیرگذار اقتصادی به افرادی خاص انجام می‌داده است و این افراد در مقابل مبالغ هنگفتی را به وی پرداخت می‌کرده‌اند. برآورد اولیه مبالغ مربوط به ارتشا و پولشویی به چند ده میلیارد تومان بالغ می‌شود و کارشناسان حقوقی احتمال صدور حکم مجازات سنگین برای وی را بسیار محتمل می‌دانند. بر این اساس در

این پرونده اسامی افرادی مانند دانیال زاده و برخی روسای سابق بانک‌ها از جمله صدقی مدیرعامل نجومی‌بگیر سابق بانک رفاه نیز شنیده می‌شود.

نقوی حسینی: حسین فریدون در انتصاب مدیران عامل بانکها اختیاراتی داشته و با لابی‌گری آنها را در جایگاه مدیرعاملی منصوب می‌کرده است. اما با گذشت زمان ابعاد دیگری از پرونده حسین فریدون افشا شد.

پس از انتشار فیش‌های حقوقی برخی مدیران دولتی، در یک فقره مدیرعامل بانک رفاه، در طول نزدیک به ۲۰ روز پایان سال ۹۴، بالغ بر ۲۳۰ میلیون تومان دریافتی تحت عناوین مختلف داشته است. ناصر سراج، رئیس سازمان بازرسی کل کشور، در حاشیه همایش سراسری قوه قضائیه درباره تخلفات مدیرعامل بانک رفاه اظهار داشت: علی صدقی مدیرعامل بانک رفاه به‌خاطر تخلفات بزرگی که قبلاً در بانک ملی داشته، فاقد صلاحیت برای مدیرعاملی بانک رفاه کارگران بود اما با فشار حسین فریدون (برادر رئیس‌جمهور) و لابی‌گری وی، مدیرعامل بانک رفاه کارگران شد.

در ادامه ماجرای ارتباط فریدون با صاحبان پرونده‌های اقتصادی، نام وی در پرونده علی رستگار سرخه‌ای مدیرعامل معزول بانک ملت نیز به‌چشم می‌خورد. رستگار سرخه‌ای که در مسئله فیش‌های حقوقی از سمت خود عزل شده بود، پس از مدتی به‌اتهام عضویت در یک شبکه بزرگ فساد بانکی توسط سازمان اطلاعات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی بازداشت شد. وی در جریان کشف یک باند سازمان‌یافته فساد بانکی دستگیر شد.

تاسیس صرافی هنگام حضور در دولت، نقش‌آفرینی در پرونده حقوق‌های نجومی، دست داشتن در انتصاب مدیرعامل بانک رفاه کارگران، نقش‌آفرینی در پرونده فساد مالی مدیرعامل پیشین بانک ملت، و معرفی غیر قانونی برای تحصیل در مقطع دکترا در دانشگاه شهید بهشتی از جمله مواردی است که در رسانه‌ها به عنوان اتهامات فریدون مطرح شده و مشخص نیست که وی برای کدام یک از اتهامات محکوم شده است.

تزریق نیروی جدید به جبهه جنگ محاسباتی

وطن امروز: از یک منظر راهبردی، مساله اصلی برای ایران اکنون انجام دادن این یا آن اقدام خاص در واکنش به فشارهای آمریکا نیست، بلکه مساله اصلی این است: ایران در حال در پیش گرفتن یک استراتژی جدید برای هزینه‌مند کردن رفتار آمریکا، از طریق تبدیل اهرم‌ها و ابزارهای قدرت خود به ابزارهای فشار به آمریکاست.

اینکه ایران به سمت این استراتژی حرکت کرده و تصمیم گرفته مولفه‌های قدرت ملی، منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای خود را در چارچوب یک راهبرد یکپارچه به ابزارهای فشار، تولید هزینه و بازدارنده در مقابل آمریکا تبدیل کند، خبر بسیار بدی برای واشنگتن است. ایران دارای طیف بسیار متنوعی از ابزارهای قدرت نظامی، اطلاعاتی - امنیتی، ژئوپلیتیک، سیاسی، اقتصادی، روانی - رسانه‌ای و سایبری است که در طول زمان با اهداف گوناگون توسعه داده شده است. این ابزارها لزوماً در هدف‌گذاری اولیه خود، اهرم‌هایی برای ضربه زدن به آمریکا یا تحمیل هزینه به آن نبوده است اما در بازنگری راهبردی جدیدی که به نظر می‌رسد در حال انجام است، اهداف و ماهیت این برنامه‌ها به گونه‌ای در حال تغییر و بازسازماندهی است که به کار وارد آوردن ضربه با حداکثر شدت ممکن به آسیب‌پذیرترین جنبه‌های حضور منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای آمریکا و متحدان آن بیاید.

دولت آمریکا ظاهراً دچار این سوءتفاهم شده که ایران قادر به ارائه پاسخ به فشارهای فزاینده آن - که به گفته خودشان اخیراً از فاز «غیرقابل تحمل» خارج و وارد فاز «بی‌سابقه» شده - نیست. در واقع اشتباه محاسباتی آمریکایی‌ها این است که

از صبر راهبردی ایران برداشت ضعف کرده‌اند و تصور می‌کنند ایران قادر نیست مولفه‌های قدرت خود را به منظور تحمیل هزینه به آمریکا به کار بگیرد.

به چند دلیل، ظاهراً زمان آن رسیده است که این اشتباه محاسباتی تصحیح شود. اولاً: ایران اساساً فشارهای آمریکا را به میزانی که آمریکا خود آن را جدی گرفته، جدی نگرفته است. ثانیاً: دولت آمریکا خدمت بسیار بزرگی به ایران کرده و آن این است که هم مردم و هم مسؤولان را به این جمع‌بندی قطعی رسانده که هیچ‌الگوی مذاکراتی در مقابل آمریکا حتی ارزش بررسی ندارد. ثالثاً: آمریکا با رفتار کم و بیش دیوانه‌وار خود علیه ایران، نوعی اجماع بین‌المللی علیه خود خلق کرده که هرگونه اقدام ایران در پاسخ به فشارهای خود را منطقی و مشروع می‌کند. مجموعه اخبار درباره احتمال تجدیدنظر کلی یا جزئی درباره برخی تعهدات برجامی ایران - و دیگر اقداماتی که ممکن است در آینده در پاسخ به فشارهای آمریکا انجام شود- را باید از این منظر نگریست. این اقدامات به تدریج و نحو کاملاً محاسبه‌شده و هوشمندانه به آمریکا نشان خواهد داد که پروژه‌های فشار آن، نه تنها به نتیجه‌ای که مدنظر داشته منجر نشده بلکه باعث شده ایران در مسیر جدیدی قرار بگیرد که حاصل آن افزایش انفجاری فشارها بر آمریکا در نقاطی است که به هیچ وجه آن را محاسبه نکرده است. همانطور که آمریکا محاسبات مردم و مسؤولان در ایران را هدف گرفته، استراتژی درست آن است که ایران هم محاسبات آمریکا و اسرائیل را هدف بگیرد. اراده برای تزریق نیروی جدید به این جنگ محاسباتی، بسیاری از تحولات را در آینده رقم خواهد زد.

نظریه فرسایش

صبح نو: به نظر می‌رسد در میان نظریه‌های مختلفی که نزاع آمریکا-ایران را تبیین می‌کنند، «نظریه فرسایش» از پشتوانه واقعی‌تری برخوردار باشد. این نظریه مجموعه اقدامات ایالات متحده در مقابل ایران را تلاش برای فرسایش و استهلاک اقتصاد، جامعه و سیاست ایران می‌داند و معتقد است دولت ترامپ به دنبال تبدیل ایران به کشوری نحیف، ضعیف و لرزان است. دسته‌ای در آمریکا طرفدار حمله نظامی و نوعی ویلسونیسیم با مدل حمله بوش پسر به عراق هستند. این گروه هنوز نتوانسته‌اند شانس زیادی برای پیروزی طرح خود عنوان کنند. از نظر این گروه، ترکیبی از مدل ونزوئلا و عراق که هم حمله نظامی و هم شورش خیابانی است، می‌تواند به «رژیم چنج» منجر شود. امثال بولتون که حامی چنین نظریه‌ای هستند، گمان می‌کنند تحریم به‌تنهایی نمی‌تواند به تسلیم ایران منجر شود و جمهوری اسلامی به این تحریم هم عادت می‌کند، واکسینه می‌شود و دوام پیدا می‌کند.

گروه دیگر که به نظر موافقت ترامپ را هم دارد، به نظریه فرسایش معتقدند و چنین می‌پندارند که تحریم‌ها ابتدا به لاغرشدن اقتصاد می‌انجامد. سپس، موجب نارضایتی اجتماعی می‌شود و در نهایت سیاست در ایران را مختل می‌کند و سازش ایران را سبب می‌شود. این دو نگرش هر دو به دنبال استحاله ایران هستند، چه با سازش چه با تغییر نظام. در این میان، آنچه می‌تواند وزنه حمله نظامی را بیشتر کند، دخالت دولت سعودی و هزینه‌دادن آن‌ها در این مسیر است. ترامپ اساساً پیش‌بینی‌شدنی نیست و چه بسا دلار سعودی هرگونه تحلیل و پیش‌بینی درباره او را ناممکن کند. اقدام درست ایران علاوه بر آمادگی نظامی، مراقبت از اقتصاد، جامعه محوری دولت و اتحاد در سطح سیاسی است.

سیری ناپذیری دلان از دلارهای دولتی!

ایسنا: بعد از جهش ارزی سال گذشته، نهادگرایان با برگزاری کرسی‌های مختلف در مؤسسات خود نسبت به این قضیه واکنش نشان دادند. آنها معتقدند بودند که در چنین شرایطی دولت باید هر چه در توان دارد دلار به اقتصاد تزریق کند تا از این طریق جلوی افزایش قیمت‌ها را بگیرد. در یک مورد از این سخنرانی‌ها، یکی از اقتصاددانانی که خود را رهبر اقتصاددانان نهادگرا می‌داند با لحنی تحکمی دولت را خطاب قرار داد و گفت: دولت می‌خواهد با این همه دلار چه کند؟ چرا دلارهای خود را روانه اقتصاد نمی‌کند؟ کمی بعد دولت سیاستی مشابه توصیه‌های نهادگرایان در پیش گرفت و برای واردات کلیه کالاها دلار ۴۲۰۰ تومانی را در نظر گرفت. اما تنها مدتی کوتاه کافی بود تا ایرادات این ایده نمایان شود. دولت بر اساس وعده‌ای که داده بود شروع به دادن دلار یارانه‌ای ۴۲۰۰ تومانی برای واردات انواع کالاها کرد اما تنها زمانی چند هفته‌ای نیاز بود تا نقص‌های بزرگ این دخالت بزرگ پدیدار شود. در آن زمان یکی از اقتصاددانان به ایسنا گفت که فقط در یک مورد برخی از واردکنندگان برای دریافت دلار ۴۲۰۰ تومانی عدس وارد می‌کردند و سپس همان عدس را از طرف دیگر صادر می‌کردند! مشابه این خبر در کنار اخباری مانند دریافت ارز و وارد نکردن کالاها در ماه‌های بعد از تک نرخی کردن ارز به کرات شنیده شد و معلوم شد که سوءاستفاده از ارز یارانه‌ای علاوه بر اینکه هزینه‌های زیادی روی دست دولت گذاشته، باعث به وجود آمدن مفاسد زیادی هم شده است.

دلارهای دولتی به جیب مردم نمی‌رود: برای گریز از همین شرایط دولت در ماه‌های بعد دادن ارز یارانه‌ای به کالاهای وارداتی را متوقف کرد و با طراحی لیستی از اقلام اساسی اعلام کرد که ارز یارانه‌ای فقط برای ورود این اقلام به واردکنندگان پرداخت می‌شود و الباقی کالاهای وارداتی باید از طریق سامانه نیما تأمین شود. علت تخصیص دلار یارانه‌ای از همان ابتدا جلوگیری از جهش قیمت‌ها در بازار و جلوگیری از وقوع تورم بود، نگرانی که در همان زمان تخصیص ارز هم با دخالت دولت برطرف نشد و ماهیانه به طور متوسط دو تا سه درصد به نرخ تورم اضافه می‌شد. در مورد کالاهای اساسی هم همین اتفاق به وقوع پیوست. دولت ارز ۴۲۰۰ تومانی را به لیستی از کالاهای اساسی تخصیص داده که برآوردهای برخی کارشناسان نشان می‌دهد حالا نرخ تورم در اقلام همان لیست به حدود ۵۰ درصد رسیده است. معنای این عبارت سوءاستفاده برخی از افراد در زنجیره واردات تا فروش کالا است؛ کسانی که کالاها را با ارز دولتی وارد می‌کنند اما با نرخ آزاد به فروش می‌رسانند.



سود ۲۰۰ هزار میلیارد تومانی دلان از دلار جهانگیری!